خلاصه نمایشنامه آقا مهدی

نوشته: ایرج افشاری اصل

گوشه ای از زندگی و شهادت سردار شهید مهدی باکری و تلفیق آن با واقعه عاشورا از طریق شبیه خوانی.

بدین ترتیب که درشروع لحظه به محاصره افتادن شهید باکری را می بینیم در بی سیم التماس می کنند که عقب نشینی کند او نمی پذیرد و در نهایت تیرخوردن شهید باکری را در سنگر می بینیم که صحنه تبدیل می شود به شبیه خوانی واقعه عاشورا و پوشاندن لباس رزم به حضرت قاسم(ع) و تعزیه مجلس عروسی قاسم.

در ادامه صحنه منزل پدری شهید باکری و عروسی مهدی و گفتگوی مهدی و مادرش در حالی که او بی تاب جبهه است، در نهایت مادر و عروس، مهدی را بدرقه می کنند تا به جبهه اعزام شود.

صحنه بعدی باز هم گریز به واقعه عاشورا و اذن میدان خواستن حضرت قاسم(ع) از امام حسین(ع) و نعره های شمر، مکالمه قاسم(ع) و عمرسعد و جنگ قاسم با اشقیا.

برگشت به جبهه، فرمانده کل سعی دارد مهدی را برای فرماندهی لشگر عاشورا منسوب نماید ولی او نمی پذیرد در نهایت با دستور مجابش کند و او عازم دجله می شود. صحنه تعزیه عاشورا، قاسم(ع) زخم ها خورده و در حال جنگ با اشقیا در نهایت بر زمین می افتدو امام حسین(ع) بر بالینش حاضر می شود.

در نهایت برگشت به جبهه و درگیری و دیگربار ارتباط بی سیم و خواهش از مهدی باکری که برگردد اما او نمی پذیرد که نیروها و سنگر خود را رها کند وشهید می شود در حال که به بی سیمچی خود وصیت نامه اش را می دهد تا بخواند.

البته این نمایشنامه یکسری اشکالات در محتوا و وقایع دارد که درصورت تایید قابل حل می باشد.

باتشکر

علی دانش